

جنگ تجاری آمریکا و چین و موانع پیش روی مذاکره

ایالات متحده و چین بار دیگر درگیر یک جنگ تجاری تمام‌عیار هستند، وضعیتی که نه‌تنها پتانسیل آسیب‌رسانی جدی به اقتصاد هر دو غول جهانی را دارد، بلکه می‌تواند ثبات‌شکننده اقتصاد جهانی را نیز به مخاطره اندازد. از اوایل آوریل سال جاری (۲۰۲۵) و با اعلام سیاست‌های تهاجمی تعرفه‌ای از سوی دولت دونالد ترامپ، دو کشور به سرعت وارد چرخه‌ای از وضع تعرفه‌های متقابل بسیار سنگین بر کالاهای یکدیگر شده‌اند. شدت این اقدامات به حدی است که عملاً شرایطی نزدیک به یک تحریم تجاری دوجانبه را رقم زده و رزگ خطر را برای زنجیره‌های تأمین جهانی به صدا درآورده است.

پیامدهای این رویارویی اقتصادی به‌سرعت خود را نشان داده است. گزارش‌ها حاکی از کاهش چشمگیر ۶۰ درصدی در رزرو کانتینرها از مبدأ چین به مقصد ایالات متحده است و بسیاری از سفارش‌ها برای انواع محصولات چینی لغو شده‌اند. این تنها آغاز ماجراست و انتظار می‌رود با رسیدن کامل اثرات این گندی تجاری به سواحل آمریکا در هفته‌های آتی، مشکلات گسترده‌تری بروز کند. مصرف‌کنندگان آمریکایی نه‌تنها در یافتن بسیاری از کالاهای مصرفی با مشکل مواجه خواهند شد، بلکه تعداد بی‌شماری از کسب‌وکارهای آمریکایی که به این کالاها به عنوان محصول نهایی برای فروش یا مواد اولیه برای تولید وابسته‌اند، با بحران جدی روبه‌رو می‌شوند. با توجه به عدم امکان جایگزینی سریع این حجم عظیم کالا از طریق تولید داخلی یا منابع دیگر، بسیاری از شرکت‌ها برای بقا با چالش‌های بی‌سابقه‌ای دست‌وپنجه‌نرم خواهند کرد.

شواهد نشان می‌دهد که دولت ترامپ، دست کم تا حدی، به عمق بحران پیش‌رو واقف است. به‌رغم ادعاهای مکرر ترامپ مبنی بر تمایل به گفت‌وگو با ششی جین‌پینگ و حتی طرح ادعای یک تماس تلفنی اخیر (که توسط پکن رد شد)، گزارش‌ها حاکی از آن است که دو رهبر از زمان مراسم تحلیف ترامپ دیداری نداشته‌اند. انکار صریح و چود هرگونه مذاکره تجاری جاری از سوی سخنگوی دولت چین، در تضاد کامل با اظهارات ترامپ، عمق این شکاف ارتباطی را نمایان می‌سازد.

اما چرا در چنین شرایط اضطراری، مسیر مذاکره تا این حد مسدود به نظر می‌رسد؟ مجموعه‌ای از موانع پیچیده راه را سد کرده‌اند. نخست، رویکرد خاص دولت ترامپ قرار دارد که بر اعمال فشار حداکثری از طریق تعرفه‌های بیشتر، پیش از آغاز هرگونه گفت‌وگوی معنادار، اصرار می‌ورزد. این استراتژی که شاید در تصور ترامپ اهرمی برای دستیابی به یک «توافق بزرگ» است، از سوی چین به درستی نوعی باج‌خواهی تلقی شده و مسیر تعامل سازنده را از همان ابتدا مین‌گذاری کرده است. به این مشکل باید تفاوت بنیادین در فرهنگ و رویکرد دیپلماتیک دو کشور را افزود. بوروکراسی منظم، محافظه‌کار و پروتکل‌محور چین در تضاد کامل با تمایل ترامپ به دیپلماسی شخصی، مستقیم و گاه غیرقابل پیش‌بینی در سطح رهبران قرار دارد. عدم تمایل تاریخی رهبران چین به آغاز تماس مستقیم با هم‌تایان آمریکایی و اصرار آن‌ها بر طی شدن مراحل مذاکره در سطوح پایین‌تر پیش از هرگونه دیدار سران، با بی‌صبری و روش‌های غیرمتعارف ترامپ همخوانی ندارد.

فاتر از تفاوت در سبک رهبری، عدم تقارن‌های نهادی و ابهامات ساختاری نیز مانع‌تراشی می‌کنند. ساختار متفاوت مسئولیت‌ها در دولت چین (نقش پررنگ نخست‌وزیر و معاونانش در حوزه‌های تخصصی) با ساختار کابینه‌ای آمریکا تطابق کامل ندارد و یافتن همتای دقیق برای مذاکره را دشوار می‌سازد. سازوکارهای گفت‌وگوی سطح بالای پیشین که برای فائق آمدن بر این مشکل طراحی شده بودند، پیش‌تر کنار گذاشته شده‌اند. در چنین شرایطی، درخواست چین از دولت ترامپ برای معرفی یک مذاکره‌کننده اصلی و مشخص با اختیارات کافی، با چالش مواجه شده است، به نظر می‌رسد آشفتنگی و گستردگی اهداف اعلام‌شده آمریکا در این دور از تنش‌ها- از توازن تجاری و مقابله با فتناتیل گرفته تا بازگرداندن صنایع به آمریکا و کسب درآمد- چنان وسیع و گاه متناقض است که فراتر از حیطه اختیارات یک نماینده تجاری معمول به نظر می‌رسد.

این سردرگمی در اهداف، شاید بزرگ‌ترین مانع بر سر راه هرگونه پیشرفت باشد. آیا هدف نهایی آمریکا دستیابی به یک توافق تجاری جدید و متعادل‌تر است یا یک جداسازی استراتژیک و کامل اقتصاد دو کشور؟ تا زمانی که پاسخ روشنی به این سوال اساسی داده نشود، چین انگیزه چندانی برای ورود به مذاکراتی که ممکن است از ابتدایی نتیجه‌باشد، نخواهد داشت.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

ولادیمیر لنین در زمان خود می‌گفت دهه‌هایی هستند که هیچ اتفاقی نمی‌افتد و هفته‌هایی هستند که در آن دهه‌ها رخ می‌دهند. با این معیار، ۱۰۰ روز اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ شامل ۲۰ سال تغییر در سیاست خارجی بوده است.

رویکرد «حرکت سریع و شکستن چیزها» دولت ترامپ در سیاست خارجی فقط در ایجاد هر ج و مرج یکدست بوده است. تغییرات سریعی در رویکرد آمریکا در برابر درگیری‌های خبرساز جهان اتفاق افتاده است: چرخش به سمت مذاکرات با روسیه، ترویج آتش‌بس در غزه و نوسانات میان تهدید به اقدام نظامی علیه ایران و پیشنهاد مذاکرات برای توافق هسته‌ای جدید.

در این میان، آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا یا USAID آنقدر ناگهانی در هم کوبیده شد که سوله‌های پر از کمک‌های مواد غذایی فاسد شدند. اقدامات فراقانونی هم در زمینه مهاجرت از جمله برون‌سپاری زندانی کردن مهاجران به دولت ال‌سالوادور صورت گرفت. عدم قطعیت در سیاست تجارت بین‌المللی دولت غوغایی را به بازارهای مالی تحمیل کرد؛ از جمله وضع و لغو تعرفه‌ها بر اساس هوس‌های رئیس جمهور که به‌متاب‌ه خاموش و روشن کردن چراغ اعمال شدند.

چگونه می‌توانیم این هر ج و مرج را توجیه کنیم؟ واضح است که دولت دوم ترامپ به‌جای اینرسی به دنبال تغییر در سیاست خارجی آمریکاست، با اینکه این تغییر مسیر مشخصی ندارد. با این حال، اما آشفودر، ستون‌نویس فارن پالیسی و کارشناس ارشد «تجسم مجدد برنامه استراتژی کلان ایالات متحده» در مرکز استیمسون می‌نویسد، برای شرح انتخاب‌های او تاکنون، ۴ الگو تشریحی ارزش توجه را دارند.

۱ بازگشت سیاست واقع‌گرایانه

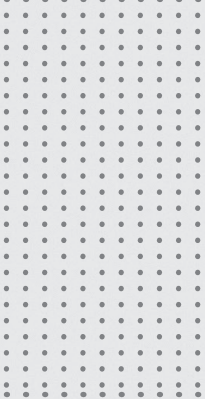
اولین الگویی که می‌توانیم برای درک سیاست خارجی ترامپ اعمال کنیم، الگویی است که شاید منسجم‌ترین آن هم باشد: این ایده که دولت ترامپ به‌دنبال بازگشت واقع‌گرایانه به سیاست واقعی است که چین و نیم‌کره غربی را در برابر اروپا و خاورمیانه در اولویت قرار می‌دهد. در این چارچوب، رابطه ملاحظم دولت با متحدان اروپایی پس از دوره‌ای زیاده‌خواهی به‌عنوان بخشی از تلاش‌هایی دکت‌رین ریچارد نیکسون، رئیس جمهور سابق آمریکا، برای ایجاد توازن دوباره میان تعهدات استراتژیک ایالات متحده آمریکا دیده می‌شود. البته در این دیدگاه دولت ترامپ رهبری آمریکا در سیستم بین‌المللی مبتنی بر قوانین را نادیده نمی‌گیرد، بلکه صرفاً اذعان استانداردهای دوگانه موجود و پذیرش این است که منافع آمریکا همیشه از ایده‌های مبهم و لیبرال مانند دموکراسی و حقوق بشر مهم‌تر خواهد بود.

رویکرد دولت در قبال اروپا شاید بهترین مدرک برای این شیوه از تصمیم‌گیری ترامپ است. اعمال فشار بر متحدان تا اینکه بودجه بیشتری برای دفاع اختصاص دهند و همچنین تلاش برای رهایی آمریکا از جنگ در اوکراین از طریق مذاکره برای رسیدن به توافق با روسیه، هر دو سیاست‌هایی هستند که مدت‌هاست مورد حمایت رئالیست‌ها بوده‌اند. شواهد دیگری نیز برای الگوی سیاست واقع‌گرایانه ترامپ وجود داشته است. تمایل او برای استفاده از ابزارهای کشوداری به‌عنوان اهرمی مقابل دشمنان و متحدان بازتابی از رویکرد معامله‌گرایانه او به جهان است. استفاده از تهدید تعرفه‌ها برای فشار بر کانادا، مکزیک یا اتحادیه اروپا بر مسائل سیاسی ممکن است در درازمدت مشکل‌زا باشد اما برای امروز می‌تواند پیروزی‌های سریعی را رقم بزند.

حتی نگرانی آنی و آشکار دولت از نیم‌کره غربی در این الگو می‌گنجد. سفر مارکو روبریو، وزیر امور خارجه به آمریکای لاتین کمی پس از مراسم تحلیف، نگرانی‌های دولت درباره حضور چین در اطراف کانال پاناما و حتی تصور عجیب و غریب الحاق گرینلند همگی قدرت سخت را پشت خود داشته‌اند اما در عین حال تعدادی از منصوبان کلیدی ترامپ

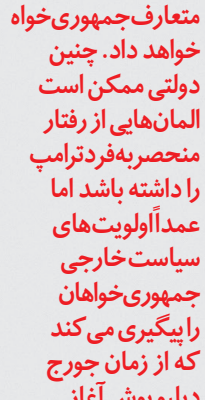
آیا این پایان ماجراست یا تازه شروع شده؟ بامداد روز چهارشنبه هند حملات موشکی را علیه آنچه «ترساخت تروریسم» در پاکستان خواند که در کشمیر تحت کنترل پاکستان است، انجام داد. دولت هند اعلام کرد که این حملات در واکنش به حمله تروریستی در پهلگام در کشمیر تحت کنترل هند در آوریل انجام شد که کشته شدن ۲۶ غیرنظامی اکثرآ هندی را در پی داشت و دولت هند، دولت پاکستان را مقصر این حملات دانست. هند در این عملیات دست کم ۵ نقطه را مورد هدف قرار داد که هیچ کدام از آنها پایگاه‌های نظامی نبودند. حملاتی که در بوجوه نگرانی‌ها از تشدید تنش‌ها در هفته‌های گذشته و آغاز جنگ بین دو کشور صورت گرفته‌اند. پاکستان با آتش توپخانه‌ها پاسخ داد و ادعا کرد که تعدادی از جنگنده‌های هندی را ساقط کرده است. این درگیری بین قدرت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای تا کجا پیش می‌رود؟ این رویارویی مناقشه‌

دیرینه این دو کشور بر سر کشمیر را چگونه شکل خواهد داد؟ کارشناسان اندیشکده شورای آتلانتیک در این باره نظر می‌دهند که خلاصه‌ای از آن را

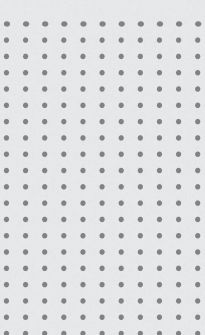


الگوی سوم ممکن است توضیح دهد که سیاست خارجی ترامپ از ما می‌خواهد تا نگاهی به دور اول ریاست جمهوری‌اش بیندازیم. البته این نظر جمعی در میان جمهوری‌خواهان کنگره و دیپلمات‌های ساکن واشنگتن دی‌سی است که استدلال می‌کنند که (همانند دولت اول ترامپ، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰) هر ج و

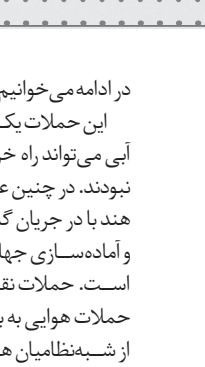
مرج‌های ماه‌های اول به‌زودی جای خود را به دولت عمدتاً متعارف جمهوری‌خواه خواهد داد. چنین دولتی ممکن است المان‌هایی از رفتار منحصر به‌فرد ترامپ را داشته باشد اما عمدآ اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری‌خواهان را پیگیری می‌کند که از زمان جورج دبلیو بوش آغاز شد و بر استقلال، یک‌جانبه‌گرایی و قدرت نظامی جنگ‌طلبانه‌تاکید دارد



در ادامه می‌خوانیم. این حملات یک الگوی قابل پیش‌بینی را دنبال می‌کنند: یک معاهده آبی می‌تواند راه خروج از درگیری فراهم کند. این حملات غافلگیرکننده نبودند. در چنین عملیات نظامی‌ای، قابلیت پیش‌بینی و الگوها مهم‌اند. هند با در جریان گذاشتن دیپلمات‌های کشورهای گروه ۲۰ و دیگران و آماده‌سازی جهان، شهرت قابل اطمینان بودن خود را حفظ کرده است. حملات نقطه‌زنی ۲۰۱۶ در واکنش به کشتار ۱۹ سرباز هندی، حملات هوایی به بالاکوت در سال ۲۰۱۹ در واکنش به کشتار ۴۰ نفر از شبه‌نظامیان هندی انجام شدند و حالا عملیات سیندور در واکنش به حمله‌ای تروریستی با انگیزه مذهبی و هدفمند که منجر به کشته شدن ۲۶ نفر شده، ادامه یک استراتژی است که هند از سال ۲۰۰۱ از آن رونمایی کرده است.



بیانیه وزارت دفاع هند پس از این حملات تضمینی از اهداف ضدتشدید تنش این کشور است. باوجود این تاریخچه و حملات شدید



در ادامه می‌خوانیم. این حملات یک الگوی قابل پیش‌بینی را دنبال می‌کنند: یک معاهده آبی می‌تواند راه خروج از درگیری فراهم کند. این حملات غافلگیرکننده نبودند. در چنین عملیات نظامی‌ای، قابلیت پیش‌بینی و الگوها مهم‌اند. هند با در جریان گذاشتن دیپلمات‌های کشورهای گروه ۲۰ و دیگران و آماده‌سازی جهان، شهرت قابل اطمینان بودن خود را حفظ کرده است. حملات نقطه‌زنی ۲۰۱۶ در واکنش به کشتار ۱۹ سرباز هندی، حملات هوایی به بالاکوت در سال ۲۰۱۹ در واکنش به کشتار ۴۰ نفر از شبه‌نظامیان هندی انجام شدند و حالا عملیات سیندور در واکنش به حمله‌ای تروریستی با انگیزه مذهبی و هدفمند که منجر به کشته شدن ۲۶ نفر شده، ادامه یک استراتژی است که هند از سال ۲۰۰۱ از آن رونمایی کرده است.

بیانیه وزارت دفاع هند پس از این حملات تضمینی از اهداف ضدتشدید تنش این کشور است. باوجود این تاریخچه و حملات شدید

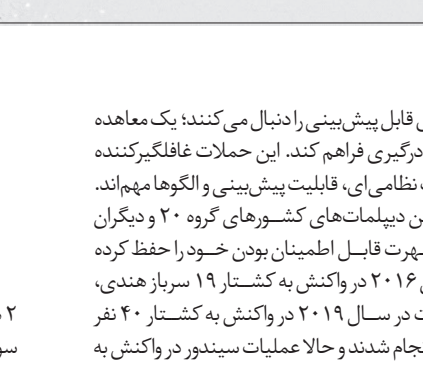
از جمله معاون رئیس جمهور به‌وضوح دیدگاه واقع‌گرایانه‌ای نسبت به جهان دارند.

با این حال الگوی سیاست واقع‌گرایانه در زمینه‌های دیگر دچار لغزش می‌شود. این الگو نمی‌تواند سیاست دولت در قبال اسرائیل را توضیح دهد و نمی‌تواند به‌راحتی قلع و قمع سازمان‌های وابسته به سیاست خارجی را توضیح دهد. دولت ترامپ عمدتاً در برابر درخواست‌ها برای قطع بودجه «صدای آمریکا» یا از بین بردن «آژانس توسعه بین‌المللی» فرصتی را برای روسیه یا چین برای پر کردن این خلأ فراهم می‌کند حتی با اینکه کسانی ممکن است فرض کنند دولتی که بر رقابت قدرت باعظمت متمرکز است بنیان‌های قدرت نرم ایالات متحده را تضعیف نخواهد کرد. به‌طور مشابه، سیاست اعمال تعرفه‌ها در این قاب نمی‌گنجد؛ برای قطع وابستگی به چین می‌توان به «سیاست واقع‌گرایانه» اشاره کرد اما نه برای تحریم همسایگان آمریکا یا حذف دلار به‌عنوان ذخیره‌های ارزی جهان.



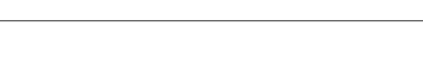
اقدامات «وزارت کارآمدی دولت» موسوم به دوج و عنادی که دولت جدید نسبت به بوروکراسی فدرال احساس می‌کند را می‌توان به‌عنوان ادامه تلاش‌های دیرینه جمهوری‌خواهان دید که همانگونه که گروور کلن نورکووست، فعال سیاسی آمریکایی در جمله‌ای ماندگار می‌گوید، دولت را تا جایی کوچک کنید که بتوانید آن را داخل یک وان حمام غرق کنید. دولت ترامپ برخی از آژانس‌های فدرال را از کار انداخته (مثل USAID و وزارت آموزش) در حالی‌که از دیگران حمایت می‌کند (مثل وزارت دفاع و اداره تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا). به‌طور کلی آژانس‌هایی که مورد هدف قرار گرفته‌اند محبوبیت کمتری برای رای‌دهندگان و حامیان مالی جمهوری‌خواهان داشته‌اند.

در عین حال، دیپلماسی اقتصادی دولت ترامپ وال استریت و جامعه تجارت آمریکا را آنقدر نگران کرده که بازارها عملاً در مرحله سقوط آزاد قرار گرفته‌اند. سرگشتگی قابل‌توجهی درباره آنچه از اعمال تعرفه‌ها به‌دست می‌آید، وجود دارد. آیا تعرفه‌ها اهرمی برای توافق‌های تجاری بهتر با آسیا به‌شمار می‌روند یا امتیازی در سیاست مهاجرت یا کنترل مواد مخدر یا مکزیک و کانادا محسوب می‌شوند؟ یا آیا آنها یک استراتژی گسترده‌تر برای تضعیف دلار و تقویت صنعتی‌سازی دوباره داخلی‌اند؟ اسکا‌ت بست، وزیر خزانه‌داری در یکی از سخنرانی‌های به‌یادماندنی به بانکدارها در نیویورک فی‌گوید که مخلص کلام این است: اساس رویای آمریکایی صرفاً دریافت «کالاهای ارزان‌قیمت» از چین نیست؛ این دیدگاهی است که آرامش خاطر الیت اقتصادی آمریکا را برهم می‌زند. نگرانی‌ها از سیاست داخلی در جاهای دیگر هم بازتاب داشته‌اند. در ماه فوریه، سخنرانی جی‌دی‌ونسن، معاون



در ادامه می‌خوانیم. این حملات یک الگوی قابل پیش‌بینی را دنبال می‌کنند: یک معاهده آبی می‌تواند راه خروج از درگیری فراهم کند. این حملات غافلگیرکننده نبودند. در چنین عملیات نظامی‌ای، قابلیت پیش‌بینی و الگوها مهم‌اند. هند با در جریان گذاشتن دیپلمات‌های کشورهای گروه ۲۰ و دیگران و آماده‌سازی جهان، شهرت قابل اطمینان بودن خود را حفظ کرده است. حملات نقطه‌زنی ۲۰۱۶ در واکنش به کشتار ۱۹ سرباز هندی، حملات هوایی به بالاکوت در سال ۲۰۱۹ در واکنش به کشتار ۴۰ نفر از شبه‌نظامیان هندی انجام شدند و حالا عملیات سیندور در واکنش به حمله‌ای تروریستی با انگیزه مذهبی و هدفمند که منجر به کشته شدن ۲۶ نفر شده، ادامه یک استراتژی است که هند از سال ۲۰۰۱ از آن رونمایی کرده است.

بیانیه وزارت دفاع هند پس از این حملات تضمینی از اهداف ضدتشدید تنش این کشور است. باوجود این تاریخچه و حملات شدید



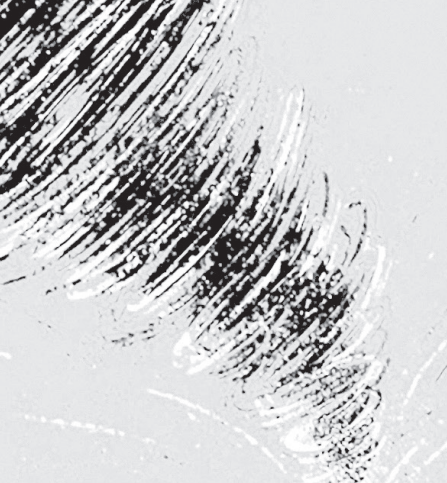
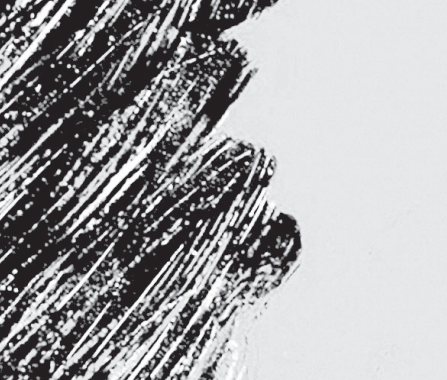
در ادامه می‌خوانیم. این حملات یک الگوی قابل پیش‌بینی را دنبال می‌کنند: یک معاهده آبی می‌تواند راه خروج از درگیری فراهم کند. این حملات غافلگیرکننده نبودند. در چنین عملیات نظامی‌ای، قابلیت پیش‌بینی و الگوها مهم‌اند. هند با در جریان گذاشتن دیپلمات‌های کشورهای گروه ۲۰ و دیگران و آماده‌سازی جهان، شهرت قابل اطمینان بودن خود را حفظ کرده است. حملات نقطه‌زنی ۲۰۱۶ در واکنش به کشتار ۱۹ سرباز هندی، حملات هوایی به بالاکوت در سال ۲۰۱۹ در واکنش به کشتار ۴۰ نفر از شبه‌نظامیان هندی انجام شدند و حالا عملیات سیندور در واکنش به حمله‌ای تروریستی با انگیزه مذهبی و هدفمند که منجر به کشته شدن ۲۶ نفر شده، ادامه یک استراتژی است که هند از سال ۲۰۰۱ از آن رونمایی کرده است.

بیانیه وزارت دفاع هند پس از این حملات تضمینی از اهداف ضدتشدید تنش این کشور است. باوجود این تاریخچه و حملات شدید

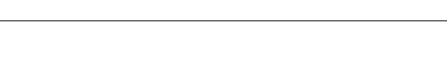
هرج و مرج به

دولت دوم ترامپ به دنبال تغییر بنی

رئیس جمهور در کنفرانس امنیتی مونیخ، هم از نظر تحریم تعهد ایالات متحده نسبت به ناتو و همچنین تأکید بر مسئله مهاجرت، فرهنگ و استدلالش مبنی بر اینکه اروپا و آمریکا در زمینه ارزش‌ها دچار انشعاب شده‌اند، قابل توجه بود. دیدار ونس با اعضای حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» کمی قبل از انتخابات آلمان، اقدامی غیرمعمول و همچنین بازتابی از تقدیر دولت از احزاب راست‌گرا در سراسر اروپا بود. با این حال، لنز سیاست داخلی فقط می‌تواند ما را تا درک گزینه‌های سیاست خارجی دولت ترامپ پیش ببرد. نمی‌تواند به‌راحتی تمرکز مداوم دولت بر خاورمیانه را توضیح دهد، به‌خصوص تمایل آن برای اعطای چک سفید به اسرائیل. فعلاً سخت‌گیری‌های مهاجرتی مداوم در مورد محمود خلیل و دیگر معترضان حامی اسرائیل نشان‌دهنده رابطه معکوس میان سیاست داخلی و خارجی است: تبعیض قائل شدن



۲ هفته‌ای دیپلماتیک پس از حمله تروریستی، تشدید فوری یا اقدامی از سوی هند نامحتمل به نظر می‌رسد. واکنش‌های رهبری پاکستان با اعلام اینکه واکنش هند، اقدامی جنگی است هم بخشی از همین الگوست. وزیر خارجه پیشین پاکستان وزیر دفاع کنونی به مشارکت پیشین پاکستان در تأمین بودجه گروه‌های تروریستی اعتراف کرده‌اند و پاکستان اگر می‌خواهد ثابت کند که تروریست‌ها را آموزش نمی‌دهد یا آنها را با سلاح‌های مرگبار ارتش مسلح



در ادامه می‌خوانیم. این حملات یک الگوی قابل پیش‌بینی را دنبال می‌کنند: یک معاهده آبی می‌تواند راه خروج از درگیری فراهم کند. این حملات غافلگیرکننده نبودند. در چنین عملیات نظامی‌ای، قابلیت پیش‌بینی و الگوها مهم‌اند. هند با در جریان گذاشتن دیپلمات‌های کشورهای گروه ۲۰ و دیگران و آماده‌سازی جهان، شهرت قابل اطمینان بودن خود را حفظ کرده است. حملات نقطه‌زنی ۲۰۱۶ در واکنش به کشتار ۱۹ سرباز هندی، حملات هوایی به بالاکوت در سال ۲۰۱۹ در واکنش به کشتار ۴۰ نفر از شبه‌نظامیان هندی انجام شدند و حالا عملیات سیندور در واکنش به حمله‌ای تروریستی با انگیزه مذهبی و هدفمند که منجر به کشته شدن ۲۶ نفر شده، ادامه یک استراتژی است که هند از سال ۲۰۰۱ از آن رونمایی کرده است.

بیانیه وزارت دفاع هند پس از این حملات تضمینی از اهداف ضدتشدید تنش این کشور است. باوجود این تاریخچه و حملات شدید